



خضر پیامبر

کلیدواژه: حضرت خضر علیه‌السلام.

پرسش: آیا حضرت خضر علیه‌السلام پیامبر بود؟

پاسخ: در بعضی روایات، مانند روایت **عیاشی** از برید از یکی از دو **امام**، **امام باقر** یا امام صادق - علیهما‌السلام - آمده است که خضر و ذوالقرنین دو مرد **عالم** بودند نه پیغمبر؛ ولیکن **آیات** مربوط به داستان **خضر و موسی**، خالی از این ظهور نیست که وی نبی بوده است، و چه‌طور ممکن است بگوییم که نبی نبوده، درحالی‌که در آن **آیات** آمده که **حکم** بر او نازل شده است.

فهرست مندرجات

- ۱ - خضر در قرآن
- ۲ - تفاسیر آیه ۶۵ سوره کف
۲.۱ - دیدگاه قرطبی
۲.۲ - دیدگاه طبرسی
- ۳ - علم حضرت خضر
۳.۱ - دیدگاه علامه طباطبایی
- ۴ - پیامبر بودن حضرت خضر
۴.۱ - دیدگاه فخر رازی
۴.۲ - دیدگاه علامه طباطبایی
- ۵ - نتیجه بحث
- ۶ - منابعی برای مطالعه بیشتر
- ۷ - پانویس
- ۸ - منبع

خضر در قرآن

با رجوع به **قرآن** معلوم می‌شود که در **آیات قرآن** از او (خضر) چنین یاد شده است: «**آئیناه رحمة من عندنا**»

[۱] کف (۱۸)، آیه ۶۵.

«و علمناه من لدنا علما»

[۲] کف (۱۸)، آیه ۶۵.

رحمت و موهبت عظیمی از سوی خود به او داده، و **علم** فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم.

تفاسیر آیه ۶۵ سوره کف

درباره **تفسیر آیه ۶۵ سوره کف** دیدگاه‌هایی بیان شده است:

← دیدگاه قرطبی

قرطبی که از **مفسران** صاحب نام **اهل سنت** می‌باشد، در ذیل **آیه** شریفه «**فوجدنا عبدا من عبادنا**»

[۱] کف (۱۸)، آیه ۶۵.

چنین می‌گوید:

"بنا بر قول اکثریت و بر طبق **احادیث** قطعی، مراد از **عبد** در آیه شریفه همان حضرت "خضر" است و عده دیگری که به گفتار آنها اعتنا نمی‌شود، گفته‌اند که رفیق و استاد موسی "حضرت خضر" نبوده‌است؛ بلکه عالم دیگری بوده و این قول از قشیری نیز نقل شده است. اما عده دیگر قائل‌اند که استاد موسی "عبد صالح" است؛ اما این عبد صالح چه کسی بوده، **اسم** نبرده‌اند، ولی مطلب صحیح آن است که او خضر بوده است، و بر طبق همین مطلب حدیثی از **پیامبر** رسیده است که خضر را از آن جهت خضر نامیدند؛ چون هر جا نماز می‌گزارد، **زمین** اطراف او سبز می‌شد."

← دیدگاه طبرسی

در "مجمع البیان" نیز ذیل آیه شریفه چنین آمده است: "موسی و جوان همراه او به بندهای از بندگان خدا رسیدند که بر صخره‌ای نشسته بود و بر آن نماز می‌گزارد و او "خضر" و اسمش "یلیا بن ملک" بود و از آن جهت به او خضر می‌گفتند، که هر جا نماز می‌گزارد، اطراف او سبز می‌شد و در روایت چنین آمده است که او بر پوست سفیدی نشست آن پوست سبز شد؛ و گفته شده وقتی حضرت موسی بر او سلام کرد، در جواب گفت: و علیک السلام ای پیامبر بنی‌اسرائیل. موسی از او سؤال کرد که از کجا می‌دانی من کیستم؟ چه کسی به تو خبر داده که من پیامبرم؟ خضر در جواب موسی گفت: آن کسی که تو را نزد من راه‌نمایی نموده است."

[۱۵] طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۶، ص ۷۴۶ - ۷۴۵، بیروت، دارالمعرفه.

[۱۶] طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۶، ص ۳۶۷، بیروت، دارالمعرفه.

سپس اقوال آن‌هایی که حضرت خضر را از جنس بشر نمی‌دانند، نقل کرده، ولی به قول آن‌ها اعتنا نمی‌کند و نظر اکثریت را که او را پیامبر و از جنس بشر می‌دانند، تصدیق می‌کند، و معنای رحمت را در آیه شریفه "آئیناه رحمة من عندنا" نبوت می‌داند - برخلاف گفته بعضی که آن را به معنی عمر طولانی می‌دانند - و علم در آیه شریفه "و علمناه من لدنا علما" را "علم غیب" معنی می‌کند، که خداوند در اختیار رسولان خودش قرار می‌دهد، که این مطلب را این عیاس نیز نقل نموده است.

علم حضرت خضر

در این باره (علم حضرت خضر) از امام جعفر صادق علیه‌السلام روایت شده که فرمود: خضر دارای علمی بود که در الواح موسی وجود نداشت، موسی گمان می‌کرد که در الواح او تمام علم‌های که به آن‌ها نیازمند است وجود دارد؛ ولی وقتی مأمور فراگیری علم از خضر شد، متوجه شد که گمان او درست نبوده است.

← دیدگاه علامه طباطبایی

مرحوم طباطبایی در این باره می‌فرماید: "هر نعمتی، رحمتی از ناحیه خدا به خلق اوست، لیکن در رحمت بودن بعضی از آن‌ها "اسباب عالم هستی" واسطه‌اند، مانند نعمت‌های مادی ظاهری، و بعضی از آن نعمت‌ها بدون واسطه، رحمت می‌باشند، مانند نعمت‌های باطنی از قبیل "نبوت"، "ولایت" و شعبه‌ها و مقامات آن؛ و از این‌که رحمت را مقید به فید "من عندنا" نموده است، می‌توان فهمید که کس دیگری غیر از خدا در آن دخالتی ندارد، و نیز به دست می‌آید که منظور از رحمت مذکور همان رحمت قسم دوم، یعنی نعمت‌های باطنی است؛ لذا می‌توان گفت: منظور از جمله "رحمة من عندنا" - که بانون با عظمت "من عندنا" آورده شده، و فرموده "من عندی"، از ناحیه من - همان نبوت است نه ولایت؛ و به همین بیان، تفسیر آن‌هایی که کلمه مذکور را به نبوت معنا کرده‌اند، تأیید می‌شود.

«و علمناه من لدنا علما» این "علم" نیز مانند "رحمت"، علمی است که غیر خدا در آن دخالتی ندارد، و چیزی از قبیل حس و فکر در آن واسطه نیست و خلاصه، از راه اکتساب و استدلال به دست نمی‌آید. دلیل بر این مطلب جمله "من لدنا" است که می‌رساند منظور از آن علم "علم لدنی" و غیر اکتسابی و مختص به اولیا است و از آخر آیات استفاده می‌شود که مقصود از آن، علم به تأویل حوادث است.

[۱۷] طباطبایی، مجدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۴۷۴، ترجمه علی حجتی کرمانی، قم، جامعه مدرسین.

پیامبر بودن حضرت خضر

درباره پیامبر بودن حضرت خضر چند دیدگاه وجود دارد:

← دیدگاه فخر رازی

آن‌هایی که حضرت خضر را پیامبر نمی‌دانند، می‌گویند: او بندهای از بندگان خداوند علمی را در اختیار او گذاشته و او از افرادی مانند اصف بن برخیا و ذوالقرنین می‌باشد؛ از جمله این افراد فخر رازی می‌باشد؛ ولی با نظر به این‌که اکثریت قاطع از مفسران شیعه و سنی که داستان خضر را نقل نموده‌اند قائل به نبوت حضرت خضر هستند، نمی‌توان کلام آن‌ها را صحیح دانست.

← دیدگاه علامه طباطبایی

مرحوم علامه بعد از بیان روایات می‌فرماید: "آنچه از روایات نبوی یا روایات وارده از طرق ائمه اهل بیت علیهم‌السلام در داستان خضر رسیده، چه می‌توان فهمید؟ از روایت "مجد بن عماره" از امام صادق علیه‌السلام چنین برمی‌آید که آن جناب، پیغمبر مرسلی بوده که خدا به سوی قومش مبعوث فرموده بوده و او مردم خود را به سوی توحید و قبول رسالت انبیاء و فرستادگان خدا و کتاب‌های او دعوت می‌کرده است.

معجزه خضر این بود که روی هیچ چوب خشکی نمی‌نشست، مگر آن‌که سبز می‌شد، و بر هیچ زمین بی‌علفی نمی‌نشست، مگر این‌که سبز و خرم می‌گشت و اگر او را خضر نامیده‌اند، به همین جهت بوده است... مؤید این حدیث در وجه نامیدن او به خضر، مطلبی است که در الدر المنثور سیوطی، از عده‌ای از ارباب جوامع حدیثی از جمله ابن عباس و ابی هریره، از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده که فرمود: خضر را بدین جهت نامیدند که وقتی روی پوست سفید رنگی نماز گزارد، همان پوست هم سبز شد.

[۱۸] طباطبایی، مجدحسین، المیزان، ترجمه علی حجتی کرمانی، قم، جامعه مدرسین، ج ۱۳، ص ۴۸۸ - ۴۸۹.

در بعضی از روایات، مانند روایت عیاشی از برید از یکی از دو **امام**، **امام یاقر** یا امام صادق - علیهما السلام - آمده است که خضر و **ذوالقرنین** دو مرد **عالِم** بودند نه پیغمبر؛ ولیکن آیات مربوط به داستان خضر و موسی، خالی از این ظهور نیست که وی نبی بوده است، و چه طور ممکن است بگوئیم که نبی نبوده، در حالی که در آن **آیات** آمده که "حکم" بر او نازل شده است.

منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۱۲، ذیل آیه.
۲. احسن الحدیث، علی اکبر قرشی، ج ۶، ذیل آیه.

پانویس

۱. [↑ کهف \(۱۸\)، آیه ۶۵.](#)
۲. [↑ کهف \(۱۸\)، آیه ۶۵.](#)
۳. [↑ کهف \(۱۸\)، آیه ۶۵.](#)
۴. [↑ قرطبی، مجد بن احمد، جامع احکام القرآن، ج ۱۱، ص ۱۶، بیروت، مؤسسه تاریخ عربی، ۱۴۰۵.](#)
۵. [↑ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۶، ص ۷۴۶ - ۷۴۵، بیروت، دارالمعرفه.](#)
۶. [↑ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ج ۶، ص ۲۶۷، بیروت، دارالمعرفه.](#)
۷. [↑ طباطبایی، مجدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۴۷۴، ترجمه علی حجتی کرمانی، قم، جامعه مدرسین.](#)
۸. [↑ طباطبایی، مجدحسین، المیزان، ترجمه علی حجتی کرمانی، قم، جامعه مدرسین، ج ۱۳، ص ۴۸۸ - ۴۸۹.](#)

منبع

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «خضر پیامبر»، تاریخ بازبینی ۱۳۹۵/۰۸/۰۲.

رده‌های این صفحه: [تاریخ انبیا](#) | [حضرت خضر](#) | [قصص قرآنی](#)